

اعراض، دلیلی بر خیانت

سید علی رضا رفیعی علویجہ

مرکز حقایق اسلامی

چکیده

این پژوهش با تکیه بر نظریات جامعه اهل سنت، ثابت کرده است که اعراض شیخین از نقل حدیث غدیر، سبب تضعیف این روایت نیست. همچنین مشخص نموده است که شیخین بر اساس مبانی خود باید روایت غدیر را نقل می‌کردند. اطلاعات بدست آمده کتابخانه‌ای و سیستمی است و در نهایت مهم‌ترین یافته‌های آن حاکی است از؛ عدم التزام شیخین به نقل احادیث صحیح و عدم نقل حدیث غدیر به جهت رعایت اختصار حال کتاب صحیحین و همچنین لازم بودن نقل حدیث غدیر از سوی بخاری و مسلم با توجه به شرایط آنان در اخذ حدیث. بنابراین پژوهش پیش‌رو با تاکید بر منابع تراز اول اهل سنت به نقد دیگاه فخر رازی درباره اعراض بخاری و مسلم از نقل حدیث غدیر و همچنین به خیانت آنان در عدم نقل روایت غدیر، پرداخته است.

کلید واژه: حدیث غدیر / اعراض بخاری و مسلم / شروط بخاری و مسلم.

مقدمه

یکی از راه‌های تقویت حدیث از جهت سند و دلالت، موجود بودن آن در دو کتاب صحیح بخاری و مسلم است به گونه‌ای که علماء اهل سنت احادیث این دو کتاب را بدون هیچ قید و شرطی می‌پذیرند. علت این امر همانطور که از نام دو کتاب بخاری و مسلم پیداست، صحیح بودن محتوای این دو کتاب است. افزون بر آنکه؛ علماء عامه برای بخاری و مسلم شروطی را در پذیرش احادیث نوشته‌اند و معتقد هستند این دو نویسنده روایات را بر اساس شروطی دقیق، در کتاب خود وارد کرده‌اند. البته لازم به تذکر است که بخاری در مقدمه کتاب خود اشاره‌ای به این شروط نکرده است و آنچه بدست رسیده اقوال علماء عامه درباره شروط وی است و همچنین مسلم نیز در صحیح خود یک شرط را درباره اخذ روایت بیان کرده و تمام آن را مطرح نکرده است. بنابراین این امور سبب شده است که اهل سنت دو کتاب بخاری و مسلم را اصح الکتب بعد القرآن معرفی کنند.

با توجه به اعتبار کتاب صحیح مسلم و بخاری نزد اهل سنت، ایرادی به حدیث غدیر وارد شده است که لازم است بی‌درنگ به آن پاسخ داده شود. عده‌ای همچون فخر رازی معتقد هستند؛ اعراض بخاری و مسلم از نقل حدیث سبب تضعیف روایت است و حدیث غدیر توسط شیخین بیان نشده است. به بیان ساده‌تر؛ اگر بخاری و مسلم روایتی را در کتاب صحیح خود وارد نکنند، به معنای ضعف روایت است. در نتیجه حدیث غدیر ضعیف محسوب می‌شود.

در حالی که باید گفت؛ اعراض بخاری و مسلم، سبب تضعیف شمردن حدیث نیست چراکه؛ مطابق گفته‌ها و نوشته‌جات اهل سنت بخاری و مسلم به چهار دلیل، خیلی از روایات صحیح را در کتاب خود وارد نکرده‌اند و نمی‌توان گفت؛ آنچه در صحیح مسلم و بخاری نیست، غیر صحیح است. بنابراین پژوهش پیش‌رو با رویکرد کاربردی و روش تحلیلی به نقد این شبهه می‌پردازد و در انتها ثابت می‌کند که عدم نقل این حدیث از سوی بخاری و مسلم خیانتی بزرگ به جامعه اهل سنت بوده است.

در این موضوع کتاب‌ها و مقاله‌هایی به رشته تحریر درآمده است که به صورت خلاصه به آنها اشاره

می‌شود؛

۱. التضعیف الإشاری عند البخاری فی ضوء تراجم الجامع الصحیح

۲. اعراض الامام البخاری عن تحریج الحدیث فی صحیحه

۳. نفحات الازهار فی خلاصة عبقات الأنوار

امتیاز این پژوهش علاوه بر جمع‌آوری دیدگاه اهل سنت درباره شبهه یادشده، پرداختن به شروط بخاری است. به گونه‌ای که با اجرا کردن شروط بخاری بر حدیث غدیر این نتیجه بدست می‌آید که؛ وی می‌توانسته این روایت را در صحیح خود وارد سازد اما علی‌رغم اطلاع از روایت غدیر، آن را در کتاب خود ذکر نکرده است و مرتکب خیانتی بزرگ نسبت به جامعه اهل سنت شده است.

فصل اول: اعراض بخاری و مسلم

بهانه‌ها، برای قبول نکردن حقیقت‌ها ساخته می‌شوند. حقایقی که می‌تواند تفکر و اندیشه مسلمانان را به یکدیگر نزدیک کند اما سعی خواسته یا ناخواسته دشمن در این است که مسلمانان به همبستگی نرسند از جمله، فخر رازی که معتقد است؛ بخاری و مسلم حدیث غدیر را نقل نکرده‌اند و همین امر را سببی برای تضعیف حدیث غدیر دانسته است. حال باید گفت چگونه می‌شود، اعراض بخاری و مسلم از حدیث غدیر برای اهل سنت حجت باشد در حالی که خود آنان ملتزم به نقل احادیث صحیح نشده‌اند و یا تمام احادیث را به جهت اختصار وارد نساخته‌اند و یا اینکه به دلیل شباهت بین دو حدیث صحیح، از نقل دیگری پرهیز کرده‌اند؟ ناگفته نماند که طبق ادعای علما اهل سنت در بسیاری از موارد برای بخاری اتصال سند و همچنین ضبط روایت احراز نشده و بدین روی از نقل برخی روایات خودداری کرده است.

۱. عدم التزام به نقل تمام احادیث صحیح

اولین پاسخی که به فخر رازی داده می‌شود این است که؛ شیخین مدعی نشده‌اند اگر روایتی در صحیح بخاری و مسلم نبود دلالت بر تضعیف آن روایت دارد. چنان‌که حاکم نیشابوری این مطلب را در مقدمه کتاب خود یادآور می‌شود؛

لکل عصر جماعة من علماء الدين، وأئمة المسلمين، يزكون رواية
الأخبار ونقلة الآثار ليدبوا به الكذب عن وحي الملك الجبار، فمن هؤلاء
الأئمة: أبو عبد الله محمد بن إسماعيل الجعفي، وأبو الحسين مسلم بن
الحجاج القشيري رضي الله عنهما، صنفا في صحيح الأخبار كتابين

مهذبین انتشار ذکرهما فی الأقطار، ولم یحکما ولا واحد منهما أنه لم یصح من

الحديث غیر ما أخرجه.

۲

بنابراین اولین سؤالی که از فخر رازی باید پرسید این است که؛ آیا بخاری و مسلم ملتزم شده‌اند که تمام احادیث صحیح را نقل کنند و اینکه؛ آیا چون حدیث غدیر را نقل نکرده به معنای تضعیف آن است؟

۲. عدم ذکر به جهت طولانی نشدن

اما جواب دومی که باید به فخر رازی داد و راهی جز پذیرش آن ندارد این است که؛ بخاری بسیاری از احادیث را به جهت طولانی نشدن کتاب خود، وارد نساخته است به دیگر سخن؛ هدف بخاری، جمع‌آوری تمام احادیث نبوده است بلکه برای طولانی نشدن کتاب از نقل بسیاری از احادیث جلوگیری کرده است این ادعا صرفاً فرضیه نیست چراکه؛ از خود بخاری چنین مطلبی شده است؛

أخبرني عبد الواحد بن بکر الصوفي، حدثنا عبد الله بن عدي

الجرجاني، حدثنا محمد بن أحمد القومسي، قال: سمعت محمد بن حمدويه

يقول: سمعت البخاري يقول: أحفظ مائة ألف حديث صحيح، وأعرف

مائتي ألف حديث غير صحيح سمعت أحمد بن أبي مسلم الحافظ، وعبد

الواحد بن بکر الصوفي، قالوا: سمعنا ابن عدي الحافظ، قال: سمعت

الحسن بن الحسين يقول: سمعت إبراهيم بن معقل، يقول: سمعت

البخاري، يقول: ما أدخلت في كتاب الجامع إلا ما صح، وقد تركت من

الصحيح يعني: خوفا من التطويل.^۳

بنابراین نمی‌توان اعراض بخاری و مسلم را از نقل حدیث غدیر، به معنای تضعیف است چراکه احتمال می‌رود بخاری به جهت اختصار آن را وارد نکرده باشد.

۳. عدم ذکر احادیث مشابه

سومین جوابی که به فخر رازی باید داد این است که؛ بخاری و مسلم بسیاری از احادیث صحیح را به جهت شباهت با یکدیگر در کتاب خود وارد نساخته‌اند. بنابراین استخراج و اثبات قانونی کلی

^۲ المستدرک علی الصحیحین للحاکم: مقدمه

^۳ الإرشاد فی معرفة علماء الحديث: 3 / 962

یعنی؛ اعراض بخاری و مسلم از نقل حدیث سبب تضعیف حدیث است، صحیح نیست چه رسد به اینکه این قانون در مورد هر روایتی که در صحیحین نباشد تعمیم داده شود. دارقطنی در کتاب الزامات خود اشاره به این مطلب می‌کند؛

أخبرنا الإمام الحافظ أبو طاهر أحمد بن محمد بن محمد بن إبراهيم السلفي
الأصبهاني قراءة عليه وأنا أسمع في ذي القعدة سنة ثلاث وسبعين
وخمسمائة بثغر الأسكندرية أنبا الشيخ أبو الحسين المبارك بن عبد الجبار
الصيرفي قرأت ببغداد من أصل سماعه في صفر في سنة خمس وتسعين
وأربعمائة أنبا أبو طالب محمد ابن علي بن الفتح بن محمد بن الفتح الحربي
الزاهد بقراءة أبي محمد بن عبد العزيز بن محمد النخشي عليه قال:
أخبركم أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد ابن مهدي الدارقطني الحافظ في
كتابه. وقال: ذكرنا مما أخرجه البخاري ومسلم أو أحدهما من حديث
بعض التابعين وتركنا من حديثه شبيهاً به، ولم يخرجاه، أو من حديث نظير
له من التابعين الثقات ما يلزم إخراجهم على شرطها ومذهبها، فيما نذكره
إن شاء الله تعالى. وبالله التوفيق.

۴. عدم ذکر به دلیل عدم احراز اتصال

جواب دیگر و قابل تأمل این است که اگر بخاری روایتی را در کتاب خود ذکر نکرده است دو جهت دارد؛ جهت اول درباره عدم اتصال سند است یعنی اتصال بین رجال سند برای او احراز نشده است و جهت دوم درباره ضبط حدیث است. بنابراین اگر حدیث غدیر را نقل نکرده است احتمال دارد به دو دلیل عدم احراز اتصال سند و عدم ضبط روایت باشد؛

و قد كان البخاری يعرض عن اسناد بعينه، فلا يخرج منه شيئاً،
لشبهة عنده في اتصال ذلك السند مثلاً أو في ضبط الاحاديث التي
جاءت به.^۶

^۶ الإلزامات والتتبع: 64

^۷ اعراض الامام البخاري عن تخريج الحديث الصحيحه: 288

۵. تصحیح روایت غدیر توسط عالمان

اعتبار حدیث غدیر به قدری مسلم است که عالمان بزرگ اهل سنت حکم به صحت آن داده‌اند تا جایی که ذهبی برای این حدیث کتاب مستقلی می‌نگارد. همچنین ضیاء الدین مقدسی و حاکم نیشابوری این روایت را در "الاحادیث المختاره" و "المستدرک علی الصحیحین" وارد کرده‌اند ایشان مدعی هستند روایات خود را بر مبنای شیخین تخریج می‌کنند. پس چگونه می‌توان گفت اعراض بخاری و مسلم سبب قدح و ضعف این روایت است؟ آیا حاکم نیشابوری و ضیاء الدین مقدسی متوجه ادعای خود نبوده‌اند و روایت ضعیف را در کتاب صحیح خود نقل کرده‌اند؟ اینک به نقل احادیث غدیر از سوی حاکم نیشابوری، ضیاء الدین مقدسی و ذهبی پرداخته می‌شود.

نقل حاکم نیشابوری:

۱ - حدثنا أبو الحسين محمد بن أحمد بن تميم الحنظلي، ببغداد، ثنا أبو قلابة عبد الملك بن محمد الرقاشي، ثنا يحيى بن حماد، وحدثني أبو بكر محمد بن بالويه، وأبو بكر أحمد بن جعفر البزار قالوا: ثنا عبد الله بن أحمد بن حنبل، حدثني أبي، ثنا يحيى بن حماد، وثنا أبو نصر أحمد بن سهل الفقيه، ببخارى، ثنا صالح بن محمد الحافظ البغدادي، ثنا خلف بن سالم المخرمي، ثنا يحيى بن حماد، ثنا أبو عوانة، عن سليمان الأعمش قال: ثنا حبيب بن أبي ثابت، عن أبي الطفيل، عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال: لما رجع رسول الله صلى الله عليه وسلم من حجة الوداع ونزل غدیر خم أمر بدوحات فقم، فقال: " كأي قد دعيت فأجبت، إني قد تركت فيكم الثقلين: أحدهما أكبر من الآخر، كتاب الله تعالى، وعترتي، فانظروا كيف تخلفوني فيها، فإنهما لن ينفرقا حتى يردا علي الخوض^۱"

۲ - حدثناه أبو بكر بن إسحاق، ودعلج بن أحمد السجزي، قالوا: أنبا محمد بن أيوب، ثنا الأزرق بن علي، ثنا حسان بن إبراهيم الكرماني، ثنا محمد بن سلمة بن كهيل، عن أبيه، عن أبي الطفيل، عن ابن وائلة، أنه سمع زيد بن أرقم رضي الله عنه يقول: نزل رسول الله صلى الله عليه وسلم بين مكة والمدينة عند شجرات خمس دوحات عظام، فكنس الناس ما تحت الشجرات، ثم راح رسول الله صلى الله عليه وسلم عشية فصلى، ثم قام خطيبا، فحمد الله

وأثنى عليه، وذكر ووعظ، فقال: ما شاء الله أن يقول: ثم قال: "أيها الناس، إني تارك فيكم أمرين لن تضلوا إن اتبعتموهما، وهما: كتاب الله، وأهل بيتي عترتي"^٢

٣- حدثنا محمد بن صالح بن هانئ، ثنا أحمد بن نصر، وأخبرنا محمد بن علي الشيباني، بالكوفة، ثنا أحمد بن حازم الغفاري، وأنبا محمد بن عبد الله العمري، ثنا محمد بن إسحاق، ثنا محمد بن يحيى، وأحمد بن يوسف، قالوا: ثنا أبو نعيم، ثنا ابن أبي غنية، عن الحكم، عن سعيد بن جبير، عن ابن عباس، عن بريدة الأسلمي رضي الله عنه، قال: غزوت مع علي إلى اليمن فرأيت منه جفوة، فقدمت على رسول الله صلى الله عليه وسلم فذكرت عليا فتنقصته، فرأيت وجه رسول الله صلى الله عليه وسلم يتغير، فقال: «يا بريدة، ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟» قلت: بلى يا رسول الله، فقال: «من كنت مولاه، فعلي مولاه» وذكر الحديث «هذا حديث صحيح على شرط مسلم، ولم يخرجاه»^٣

٤- فحدثنا أبو زكريا يحيى بن محمد العنبري، ثنا إبراهيم بن أبي طالب، ثنا علي بن المنذر، ثنا ابن فضيل، ثنا مسلم الملائني، عن خيثمة بن عبد الرحمن قال: سمعت سعد بن مالك، وقال له رجل: إن عليا يقع فيك إنك تخلفت عنه، فقال سعد: والله إنه لرأي رأيته، وأخطأ رأيي، إن علي بن أبي طالب أعطي ثلاثا لأن أكون أعطيت إحداهن أحب إلي من الدنيا وما فيها، لقد قال له رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدير خم بعد حمد الله والثناء عليه: «هل تعلمون أني أولى بالمؤمنين؟» قلنا: نعم، قال: «اللهم من كنت مولاه، فعلي مولاه، وال من والاه، وعاد من عاداه» وجيء به يوم خيبر وهو أرمد ما يبصر، فقال: يا رسول الله، إني أرمد، فتفل في عينيه، ودعا له فلم يرمد حتى قتل، وفتح عليه خيبر وأخرج رسول الله صلى الله عليه وسلم عمه العباس وغيره من المسجد، فقال له العباس: تخرجنا ونحن عصبتك وعمومتك وتسكن عليا؟ فقال: «ما أنا أخرجتكم وأسكنته، ولكن الله أخرجكم وأسكنه»^٤

٥- أخبرني الوليد، وأبو بكر بن قريش، ثنا الحسن بن سفيان، ثنا محمد بن عبدة، ثنا الحسن بن الحسين، ثنا رفاعة بن إياس الضبي، عن أبيه، عن جده، قال: كنا مع علي يوم الجمل،

^٢ المستدرک علی الصحیحین: 3 / 118

^٣ المستدرک علی الصحیحین: 3 / 119

^٤ المستدرک علی الصحیحین: 3 / 126

فبعث إلى طلحة بن عبيد الله أن القني فأتاه طلحة، فقال: نشدتك الله، هل سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم؟ يقول: «من كنت مولاه فعلي مولاه، اللهم وال من ولاة، وعاد من عاداه» قال: نعم، قال: فلم تقاتلني؟ قال: لم أذكر، قال: فانصرف طلحة

٤- أخبرني محمد بن علي الشيباني بالكوفة، ثنا أحمد بن حازم الغفاري، ثنا أبو نعيم، ثنا كامل أبو العلاء، قال: سمعت حبيب بن أبي ثابت يخبر، عن يحيى بن جعدة، عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال: خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى انتهينا إلى غدير خم فأمر بدوح، فكسح في يوم ما أتى علينا يوم كان أشد حرا منه فحمد الله وأثنى عليه وقال: «يا أيها الناس، إنه لم يبعث نبي قط إلا ما عاش نصف ما عاش الذي كان قبله، وإني أوشك أن أدعى فأجيب، وإني تارك فيكم ما لن تضلوا بعده كتاب الله عز وجل»، ثم قام فأخذ بيد علي رضي الله عنه فقال: «يا أيها الناس، من أولى بكم من أنفسكم؟» قالوا: الله ورسوله أعلم، «ألست أولى بكم من أنفسكم؟» قالوا: بلى، قال: «من كنت مولاه فعلي مولاه» هذا حديث صحيح الإسناد، ولم يخرجاه "

نقل ضياء الدين مقدسي

١- إسماعيل الصيرفي أخبرهم قراءة عليه وهو حاضر أنا محمد بن عبد الله بن شاذان أنا عبد الله بن محمد القباب أنا أحمد بن عمرو بن أبي عاصم ثنا محمد بن خالد يعني ابن عبد الله قثنا شريك عن أبي إسحاق عن زيد بن يشيع قال قال علي رضي الله عنه على المنبر فقال أنشد الله رجلا ولا أنشد إلا أصحاب محمد صلى الله عليه وسلم سمع النبي صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدير خم فقام ستة من هذا الجانب وسننه من هذا الجانب فقالوا نشهد أنا سمعنا من رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول من كنت مولاه فعلي مولاه وقد رواه سعيد بن وهب يأتي فيما بعد (إسناده حسن)

٢- أخبرنا عبد الله بن أحمد الحربي بها أن هبة الله بن محمد أخبرهم قراءة عليه أنا الحسن بن علي بن المذهب أنا أحمد بن جعفر ثنا عبد الله بن أحمد حدثني أبي ثنا محمد بن جعفر ثنا شعبة

المستدرک علی الصحیحین: 3/ 419

المستدرک علی الصحیحین: 3/ 613

الأحاديث المختارة = المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرجه البخاري ومسلم في صحيحيهما: 2/ 87

عن أبي إسحاق قال سمعت سعيد بن وهب قال نشد علي رضي الله عنه الناس فقام خمسة أو ستة من أصحاب النبي صلى الله عليه وسلم فشهدوا أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال من كنت مولاه فعلي مولاه (إسناده صحيح)

٣- وبه حدثنا عبد الله بن أحمد ثنا علي بن حكيم الأودي أنا شريك عن أبي إسحاق عن سعيد بن وهب وعن زيد بن يثيع قالوا نشد علي في الرحبة من سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم إلا قام قال فقام من قبل سعيد ستة ومن قبل زيد ستة فشهدوا أنهم سمعوا رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول لعلي يوم غدیر خم أليس الله أولى بالمؤمنين قالوا بلى قال اللهم من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه واعد من عاداه (إسناده حسن) ١

٤- أخبرنا الحافظ أبو طاهر أحمد بن محمد بن أحمد السلفي إجازة قال أنا أبو الفتح محمد بن أحمد بن محمد بن الحسين بن الحارث المعلم فيما قرأت عليه من أصل سماعه حدثكم أبو عبد الله الحسين بن أحمد بن محمد بن سعيد الرازي إملاء ثنا أبو الحسن علي بن حسان بن القاسم الجديلي ببغداد ثنا أبو جعفر محمد بن عبد الله بن سليمان الحضرمي ثنا محمود بن غيلان ثنا الفضل بن موسى السيناني ثنا الأعمش عن سعيد بن وهب قال قال علي رضي الله عنه أنشد الله من سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم الله وليي وأنا ولي المؤمنین من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه واعد من عاداه وانصر من نصره قال فقال سعيد فقام إلى جنبي ستة قال فقال زيد بن يثيع قام من عندي ستة سئل الدارقطني عنه فقال حدث به الأعمش وشعبة وإسرائيل عن أبي إسحاق عن سعيد بن وهب عن علي وذكر ما فيه من الاختلاف قال وأشبهها بالصواب قول الأعمش وشعبة وإسرائيل ومن تابعهم وقد روي نحو هذا عن عبد الرحمن بن أبي ليلى عن علي عليه السلام (إسناده صحيح) ٢

٥- أخبرنا عبد الله بن أحمد الحرابي بها أن أبا القاسم هبة الله بن الحصين أخبرهم قراءة عليه أنا أبو علي بن المذهب أنا أبو بكر القطيعي ثنا عبد الله بن أحمد حدثني أبي ثنا حسين بن محمد وأبو نعيم المعني قثنا فطر عن أبي الطفيل قال جمع علي بن أبي طالب رضي الله عنه الناس في

١ لأحاديث المختارة = المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج البخاري ومسلم في صحيحهما: 2 / 105

١ لأحاديث المختارة = المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج البخاري ومسلم في صحيحهما: 2 / 105

١ لأحاديث المختارة = المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج البخاري ومسلم في صحيحهما: 2 / 106

الرحبة ثم قال أنشد بالله كل امرئ مسلم سمع رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم ما قال فقام إليه بعض الناس قال أبو نعیم فقام ناس كثير فشهدوا حين أخذ بيده فقال للناس أتعلمون أني أولى بالمؤمنين من أنفسهم قالوا نعم يا رسول الله قال من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه قال فخرجت كأن في نفسي شيئاً فلقيت زيد بن أرقم فقلت له إني سمعت علياً يقول كذا وكذا قال فما تنكر قد سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول ذلك له رواه أبو حاتم البستي عن عبد الله الأزدي عن إسحاق بن إبراهيم عن أبي نعیم ويحيى بن آدم عن فطر بن خليفة بنحوه (إسناده حسن) آخر^١

تصحیح ذهبی

ذهبی نیز در تلخیص المستدرک روایات غدیر را که حاکم بیان کرده، صحیح دانسته است.^٧

حاصل مطالب

اعراض بخاری و مسلم از نقل حدیث غدیر دلالت بر تضعیف این حدیث ندارد زیرا مطابق ادعای بخاری و مسلم و علماء اهل سنت شیخین بسیاری از احادیث صحیحه را در کتاب خود وارد نساخته‌اند. خلاصه مطالب یاد شده از این قرار بود؛

١. عدم التزام شیخین به نقل تمام حدیث صحیح.
٢. عدم ذکر حدیث به جهت طولانی نشدن.
٣. عدم ذکر احادیث مشابه.
٤. عدم ذکر حدیث به دلیل عدم احراز اتصال و عدم ضبط.
٥. نقل و حکم به صحت روایت از سوی عالمان اهل سنت.

فصل دوم: خیانت بخاری

تا به اینجا به صورت مختصر به شبهه فخر رازی پاسخ داده شد، اما در این بخش سخنی عجیب‌تر مطرح می‌شود که علیه اهل سنت و طرفداران بخاری و مسلم است و آن اینکه؛ نه تنها اعراض بخاری

^١ لأحادیث المختارة = المستخرج من الأحادیث المختارة مما لم یخرجه البخاری ومسلم فی صحیحیها: 2 / 173

^٧ به آدرس‌های داده شده از کتاب المستدرک رجوع کنید.

از نقل حدیث سبب تضعیف روایت نیست بلکه شواهدی مبنی بر خیانت بخاری و مسلم وجود دارد. چراکه؛ اولاً قرائنی دلالت می‌کند، شیخین حدیث غدیر را دیده‌اند و ثانیاً شرط آنان بر حدیث غدیر نیز کاملاً منطبق است و ثالثاً عالمان اهل سنت روایات غدیر را صحیح دانسته‌اند حال با توجه به این سه نکته باید پرسید؛

آیا اعراض بخاری و مسلم از نقل حدیث غدیر حکایت از خیانت شیخین نسبت به جامعه اهل سنت ندارد؟

۱. نقل بخاری در تاریخ الکبیر

بخاری روایت غدیر را در کتاب تاریخ الکبیر خود نوشته است و این بدین معنا است که وی این روایت را دیده و کسی نمی‌تواند ادعا کند که بخاری روایت غدیر را ندیده است؛

روایت اول

حدثني يوسف بن راشد (نا) علي بن قادم الخزاعي أنا إسرائيل عن عبد الله بن شريك عن سهم بن حصين الأسدي: قدمت مكة أنا وعبد الله بن علقمة - قال ابن شريك: وكان ابن علقمة سبابا لعلي فقلت: هل لك في هذا؟ يعني أبا سعيد الخدري - فقلت: هل سمعت لعلي منقبة؟ قال: نعم، فإذا حدثتك فسل المهاجرين والأنصار وقریشا قام النبي صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم فأبلغ فقال: أأست أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ ادن يا علي! فدنا فرفع يده ورفع النبي صلى الله عليه وسلم يده حتى نظرت إلى بياض

إبطيه فقال: من كنت مولاه فعلي مولاه، سمعته أذناي.^۱

روایت دوم

عثمان بن عاصم أبو حصين الأسدي الكوفي، سمع ابن عباس رضی الله عنهما ۱ وسعيد بن جبیر وشريحا والشعبي، سمع منه الثوري وشعبة وابن عيينة ۲، إسحاق بن إبراهيم أخبرنا يحيى بن آدم حدثنا أبو بكر سمعت أبا حصين: ما سمعنا هذا الحديث حتى

جاء هذا من خراسان فنعم به - يعني أبا إسحاق - يعني من كنت مولاه فعلي مولاه -
فاتبعه على ذلك ناس.^١

روایت سوم

اسماعيل بن نشيط العامري سمع شهر بن حوشب وجميلا سمع منه أبو نعيم ويونس
بن بكير، قال لي عبید حدثنا يونس سمع اسمعيل عن جميل بن عامر أن سالما حدثه سمع
من سمع النبي صلى الله عليه وسلم يقول يوم غدیر خم من كنت مولاه فعلي مولاه، قال
أبو عبد الله في إسناده نظر.^٢

٢. تصحيح عالمان اهل سنت

در قسمت پاسخ به شبهه اعراض بخاری و مسلم بیان شد که عالمان بزرگ اهل سنت همچون حاکم
نیشابوری و ضیاء الدین مقدسی و ذهبی روایت غدیر را صحیح دانسته‌اند. بنابراین چنین روایتی مسلما
صحیح است و نمی‌توان گفت که شیخین به دلیل ضعف سند آن را وارد نساخته‌اند.

٣. شروط بخاری و مسلم

از دلائل مورد توجه بودن کتاب شیخین، چگونگی شرط آنان در گزینش احادیث است. در حالی
که شیخین در کتاب خود سخنی از چگونگی این شروط به میان نیاورده‌اند و هرآنچه که به عنوان شرط
اخذ شیخین مشهور شده، از سائر کتب و نقل قول علماء اهل سنت است. ابن حجر عسقلانی در مقدمه
فتح الباری چنین می‌نویسد:

ولنشرع الآن في تحقیق شرطه فيه وتقرير كونه أصح الكتب المصنفة في الحديث النبوي
قال الحافظ أبو الفضل بن طاهر فيما قرأت على الثقة أبي الفرج بن حماد أن يونس بن إبراهيم
بن عبد القوي أخبره عن أبي الحسن بن المقيبر عن أبي المعمر المبارك بن أحمد عنه شرط
البخاري أن يخرج الحديث المتفق على ثقة نقلته إلى الصحابي المشهور من غير اختلاف بين

^١ التاريخ الكبير للبخاري بحواشي المطبوع: ٦ / ٢٤٠

^٢ التاريخ الكبير للبخاري بحواشي المطبوع: ١ / ٣٧٥

^٣ شروط الأئمة الستة: ١٧

الثقات الاثبات ويكون إسناده متصلا غير مقطوع وأن كان للصحابي راويان فصاعدا
فحسن وأن لم يكن الا راو واحد وصح الطريق إليه كفى.^٢

علاوه بر این شروط بخاری ملاقات را نیز شرط می‌داند که در این باره سیوطی چنین می‌نگارد:

ومنها: اشتراط البخاري ثبوت السماع لكل راو من شيخه، ولم يكتف بإمكان اللقاء

والمعاصرة كما سيأتي

همچنین مسلم در مقدمه کتاب خود اشاره کرده است که باید از ثقات نقل روایت شود در حالی که
به صورت اختصاصی اشاره‌ای به شروط خود نکرده است اما نووی در شرح خود بر صحیح مسلم،
شروط وی را همان شروط حدیث صحیح بیان کرده است؛

قال الشيخ الإمام أبو عمرو بن الصلاح رحمه الله شرط مسلم رحمه الله تعالى في
صحيحه أن يكون الحديث متصل الاسناد بنقل الثقة عن الثقة من أوله إلى منتهاه سالما
من الشذوذ والعلة قال وهذا حد الصحيح فكل حديث اجتمعت فيه هذه الشروط فهو
صحيح بلا خلاف بين أهل الحديث

اما نکته قابل تامل این است که مسلم بر خلاف بخاری، ملاقات را شرط نمی‌داند و از دیدگاه او
معاصرت کفایت می‌کند سخاوی درباره این مطلب چنین می‌نویسد:

قلت: ولا يمنع من هذا اكتفاء مسلم في السند المعنعن بالمعاصرة، والبخاري باللقاء
ولو مرة لمزيد تحريمها في صحيحهما.^٣

بنابراین شروط بخاری و مسلم همانند یکدیگر هستند الا اینکه بخاری ملاقات را شرط می‌داند ولی
مسلم تنها معاصرت را شرط می‌داند و در نهایت اگر شروط بخاری بر روایتی قابل اثبات بود به طریق
اولی شروط مسلم نیز منطبق خواهد بود به تعبیر دقیق‌تر؛ با اثبات ملاقات، معاصرت قطعاً ثابت خواهد
بود.

^٢ فتح الباري: 9 / 1

^٣ تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي: 69 / 1

^٤ شرح النووي على مسلم: 15 / 1

^٥ فتح المغيث بشرح ألفية الحديث: 67 / 1

شرط بخاری	شرط مسلم
راویان ثقه باشند و منتهی به صحابی مشهور شوند.	روایان ثقه باشند.
سند متصل باشد.	سند متصل باشد.
صحابی دو راوی یا بیشتر از راوی داشته باشد.	شذوذ و علت قاده نداشته باشد.
در صورت نداشتن دو راوی یا بیشتر طریق صحیح باشد.	معاصرت شیخ و تلمیذ.
ملاقات شیخ و تلمیذ.	

تطبيق شرط بخاری و مسلم بر روایت غدیر

یکی از عالمان بزرگ اهل سنت که حدیث غدیر را در کتاب خود ذکر کرده، حاکم نیشابوری است به همین جهت در این بخش شروط بخاری بر روایت حاکم نیشابوری تطبیق داده می‌شود تا با توجه به مطالب گذشته روشن شود که بخاری می‌بایست این روایت را در صحیح خود وارد می‌کرده. اما قبل از آن باید یادآور شد که یکی از راه‌های اثبات ملاقات و معاصرت لفظ حدیث است. الفاضلی همچون؛ "أخبرنا"، "أبنا"، "حدثنا"، "سمعتُ" دلالت بر ملاقات می‌کند و چنانچه، لفظ حدیث "عن" باشد، با وثاقت ملاقات ثابت می‌شود. به دیگر سخن؛ از شخص ثقه بعید است که دروغ بگوید یا تدلیس کند بنابراین اصل اولی در روایت ثقه این است که؛ روایت را از شیخ خود شنیده است با توجه به نکات بیان شده، روایت حاکم چنین است؛

أخبرني محمد بن علي الشيباني بالكوفة، ثنا أحمد بن حازم الغفاري، ثنا أبو نعيم، ثنا كامل أبو العلاء، قال: سمعت حبيب بن أبي ثابت يخبر، عن يحيى بن جعدة، عن زيد بن أرقم رضي الله عنه قال: خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم حتى انتهينا إلى غدیر خم فأمر بدوح، فكسح في يوم ما أتى علينا يوم كان أشد حرا منه فحمد الله وأثنى عليه وقال: «يا أيها الناس، إنه لم يبعث نبي قط إلا ما عاش نصف ما عاش الذي كان قبله، وإني أوشك أن أدعى فأجيب، وإني تارك فيكم ما لن تضلوا بعده كتاب الله عز وجل»، ثم قام فأخذ بيد علي رضي الله عنه فقال: «يا أيها الناس، من أولى بكم من أنفسكم؟» قالوا: الله ورسوله أعلم، «أأست أولى بكم من أنفسكم؟» قالوا: بلى، قال: «من كنت مولاه فعلي مولاه» هذا حدیث صحیح الإسناد، ولم یخرجاه.

2

6

تلمیذ	شیخ	نام کامل تلمیذ	لفظ حدیث	اتصال	ملاقات	آدرس	وثاقت تلمیذ	آدرس
۱- محمد بن علی الشیبانی	أحمد بن حازم الغفاری	محمد بن علی بن دحیم بن کیسان، أبو جعفر الشیبانی الکوفی الصائغ	أخبرني	دارد	سَمِعَ... وأحمد بن حازم بن أبي عَرَزَةَ	الإسلام (8) / 49	وكان ثقةً صدوقاً.	تاریخ الإسلام (8) / 49

٢- أحمد بن حازم الغفاري	أبو نعيم	أحمد بن حازم بن محمد بن يونس بن محمد بن حازم بن قيس بن أبي غرزة، أبو عمرو الغفاري الكوفي	حدثنا	دارد	سمع: ... وأبا نعيم	تلخيص المتشابه في الرسم (212 / 1)	ذكره ابن حبان في الثقات، وقال: كان متقنا.	تاريخ الإسلام (6 / 479)
٣- أبو نعيم	كامل أبو العلاء	الفضل بن دكين، وهو لقب، واسمه عمرو بن حماد بن زهير بن درهم القرشي التيمي الطلحي، أبو نعيم الملائي الكوفي الأحول مولى آل طلحة بن عبيد الله.	حدثنا	دارد	روى عن... وكامل أبي العلاء	تهذيب الكمال في أسماء الرجال (23 / 197)	وقال أبو بكر المروذي: قال أبو عبد الله: يحيى، وعبد الرحمن، وأبو نعيم الحجة الثبت، كان أبو نعيم ثبنا.	تهذيب الكمال في أسماء الرجال (23 / 207)
٤- كامل العلاء	أبو حبيب بن أبي ثابت	كامل بن العلاء التيمي السعدي، أبو العلاء ويقال أبو عبد الله، الكوفي	سمعت	دارد	روى عن: إسحاق بن يحيى بن طلحة بن عبيد الله، وحبيب ابن أبي ثابت (1) (د ت ق)	تهذيب الكمال في أسماء الرجال (24 / 100)	وثقه ابن معين.	تاريخ الإسلام (4 / 188)

سیر اعلام النبلاء (5) / 288	الإمام، الحافظ، فقیه الكوفه	تهذیب الكمال فی أسماء الرجال (31) / 253	يَحْيَى بْنُ جَعْدَةَ... رَوَى عَنْهُ: ثَوْبَرِ بْنِ أَبِي فَاخْتَةَ، وَحَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ	دارد	عن	حبيب بن أبي ثابت، واسمه قيس بن دينار، ويقال: قيس بن هند، ويقال: الأسد أبو يحيى الكوفي، مولى بني أسد بن عبد العزى	يحيى بن جعدة	۵- حبيب بن أبي ثابت
تاریخ الإسلام (2) / 1017	وثقه أبو حاتم الرازی.	تهذیب الكمال فی أسماء الرجال (31) / 253	يَحْيَى بْنُ جَعْدَةَ... رَوَى عَنْ: خَبَابِ بْنِ الْأَرْتِ، وَزَيْدِ بْنِ أَرْقَمٍ،	دارد	عن	يحيى بن جعدة بن هبيرة بن أبي وهب بن عمرو القرشي المخزوم ي	زيد بن أرقم	۶- يحيى بن جعدة

نتیجه

بیان شد که فخر رازی در رد حدیث غدیر شبهه‌ای بیان کرد مبنی بر اینکه؛ چون بخاری و مسلم "حدیث من كنت مولاه" را در کتاب خود بیان نکرده‌اند دلالت بر ضعف آن دارد. در ادامه با توجه اعترافات اهل سنت پنج پاسخ به شبهه اعراض بخاری و مسلم داده شد. بیان شد که انگیزه‌های اعراض آنان از نقل حدیث غدیر، متفاوت است و اینگونه نیست که اگر روایتی را وارد نکنند دال بر ضعف باشد.

همچنین بیان شد که عدم نقل حدیث غدیر از سوی بخاری و مسلم با توجه به شروط ایشان در پذیرش احادیث و همچنین قرائنی که دال بر مشاهده این حدیث از سوی بخاری بود، خیانت شیخین را ثابت می‌کند. چراکه؛ بخاری حدیث غدیر را در کتاب تاریخ الکبیر نقل کرده است و همچنین با بررسی

شروط بخاری و مسلم در نقل احادیث و تطبیق آن بر حدیث غدیر، می‌بایست این روایت در کتاب صحیح مسلم و بخاری نقل می‌شد گذشته از اینکه بسیاری از علماء اهل سنت این روایت را صحیح دانسته‌اند بنابراین نه تنها اعراض شیخین سبب ضعیف شمردن روایت غدیر نیست بلکه روشنگر پنهان کاری حقیقتی فروغ بخش از چشمان جامعه اهل سنت است.

اللهم عجل لولیک الفرج

فهرست مصادر

- ١- نفحات الأزهار في خلاصة عبقات الأنوار: آيت الله سيد علي ميلاني / 1414 ق
- ٢- المستدرک على الصحيحين: أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله، ابن البيع / تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا / 1411 ق
- ٣- الإرشاد في معرفة علماء الحديث: أبو يعلى الخليلي، خليل بن عبد الله بن أحمد بن إبراهيم بن الخليل القزويني / تحقيق: د. محمد سعيد عمر إدريس / مكتبة الرشد / الرياض / الطبعة: الأولى، 1409 .
- ٤- الإلزامات والتتبع: أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني / تحقيق: الشيخ أبو عبد الرحمن مقبل بن هادي الوداعي / دار الكتب العلمية / بيروت - لبنان / الطبعة: الثانية، 1405 هـ - 1985 م .
- ٥- الأحاديث المختارة أو المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج به البخاري ومسلم في صحيحهما: ضياء الدين أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد المقدسي / تحقيق: معالي الأستاذ الدكتور عبد الملك بن عبد الله بن دهيش / دار خضر للطباعة والنشر والتوزيع / بيروت - لبنان / الطبعة: الثالثة، 1420 هـ - 2000 م
- ٦- التاريخ الكبير: محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله / دائرة المعارف العثمانية / حيدرآباد - الدكن .
- ٧- شروط الأئمة الستة: أبو الفضل محمد بن طاهر المقدسي / دار الكتب العلمية / بيروت / الطبعة الأولى / 1405 .
- ٨- فتح الباري شرح صحيح البخاري: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي / دار المعرفة - بيروت / 1379
- ٩- تدريب الراوي في شرح تقريب النواوي: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي / تحقيق: أبو قتيبة نظر محمد الفاريابي / دار طيبة .
- ١٠- المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي / دار

إحياء التراث العربي / بيروت / الطبعة: الثانية / 1392.

١١- فتح المغيث بشرح الفية الحديث: شمس الدين أبو الخير محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد السخاوي / تحقيق: علي حسين علي / مكتبة السنة / مصر / الطبعة: الأولى، 1424هـ / 2003م.

١٢- تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي / تحقيق: بشار عواد معروف / دار الغرب الإسلامي / الطبعة: الأولى، 2003 م.

١٣- تلخيص المتشابه في الرسم: أبو بكر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي الخطيب البغدادي / تحقيق: سوكينة الشهابي / طلاس للدراسات والترجمة والنشر / دمشق / الطبعة: الأولى، 1985 م.

١٤- تهذيب الكمال في أسماء الرجال: يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف، أبو الحجاج، جمال الدين ابن الزكي أبي محمد القضاعي الكلبي المزي / تحقيق: بشار عواد معروف / چاپ: مؤسسة الرسالة - بيروت / 1400 ق

١٥- سير أعلام النبلاء: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي / تحقيق: مجموعة من المحققين بإشراف الشيخ شعيب الأرنؤوط / مؤسسة الرسالة / الطبعة: الثالثة، 1405 هـ / 1985 م.

١٦- اعراض الامام البخاري عن تخريج الحديث الصحيحه: براء نذر ريان / مجلة الجامعة للدراسات الإسلامية / تاريخ قبول: 2020 / 8 / 22